

ارزیابی راهبردهای قرآن پژوهان در برون رفت از چالش‌های کلامی آیهٔ اهلاک (اسراء / ۱۶)

امیر ابوالفتحی *

فتح الله نجارزادگان **

محمد میرخانی **

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۵

تاریخ تایید: ۱۴۰۰/۰۶/۳۱

چکیده:

خوانش ابتدایی آیهٔ شانزدهم سورهٔ اسراء، خواننده را با سه چالش مواجه می‌سازد. اولین چالش، تقدم ارادهٔ هلاکت از سوی خداوند (آردنا)، پیش از عمل فسق اهل قریه (ففسقوا) است؛ از این چالش در ادبیات کهن تفسیری به «تقدم جزاء بر عمل» و در ادبیات امروزی نیز به «قصاص قبل از جنایت» تعبیر می‌شود. مسئلهٔ چالش مزبور چرایی ارادهٔ هلاکت اهل قریه، پیش از ارتکاب فسق است. چالش دیگر، تعلق امر الهی بر فسق و قبح عقلی آن، طبق ظهور عبارت «ففسقوا» است. چالش سوم جبر و عدم ارادهٔ عبد است زیرا به سبب ارادهٔ محتوم الهی بر اهلاک، امر تکوینی بر بندگان نیز محقق شده است؛ اعم از اینکه «مأمور به» طاعت باشد یا فسق، آنچه مهم است به دلیل تخلف ناپذیری امر الهی و هلاکت تکوینی بندگان اوست. این جستار که با روش توصیفی-تحلیلی سامان یافته است، با استحصالی راه‌حل مفسران، توانسته از ترکیب تفسیر دو عبارت «اراده» و «امر» با ساختارهای ادبی محتمل عبارات «إذا أردنا أن نهلك قرية» و «أمرنا مترفها» چهل‌ودو احتمال استخراج کند. از میان این چهل‌ودو احتمال تفسیری، تنها پانزده احتمال، عاری از چالش‌های سه‌گانهٔ مذکور است و می‌تواند موجه به حساب آید اما آنچه قابل مذاقه است اینکه گریز از چالش‌های پیشین، ناگزیر از ملاحظات ادبی مجاز، حذف و یا تقدم و تأخر شرط و جزا نیست. ارجحیت مجاز بر سایر فنون ادبی، تأویل آیه را تنها بر سه وجه متمرکز می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: چالش معرفتی، آیه اهلاک، تقدم جزا بر عمل، عقاب بلا بیان، جبر، اراده الهی، امر الهی.

* دانش آموخته قرآن و حدیث پردیس فارابی دانشگاه تهران؛ (نویسنده مسئول) abulfathiamir@gmail.com

** استاد پردیس فارابی دانشگاه تهران؛ najarzaghan@ut.ac.ir

*** دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه باقر العلوم؛ mohammadmirkhani@gmail.com

۱- مقدمه و بیان مسئله

حتمیت ناشی از تکوینی بودن اراده بر رنگ تر می‌شود. با این حساب، اهلاک حتمی، مقدم از عمل اهل قریه است. به دیگر سخن، اگر پرسیده شود که چرا قریه نابود (تدمیر) شد؟ پاسخ آن است که مترفان فسق کردند و اگر پرسیده شود چرا مترفان قریه فسق کردند؟ پاسخ آن است که خداوند اراده اهلاک کرده بود. در این صورت پیش از فسق اهل قریه، اراده اهلاک از سوی خداوند محقق شده است؛ بدین سبب این مسئله مطرح می‌شود که اهل قریه که هنوز فسقی مرتکب نشده‌اند که اراده تکوینی خداوند به اهلاک آنان تعلق گرفته است. آیا این با همان قاعده عقلی که پیش‌تر بیان شد، سازگار است؟ بنابراین نخستین چالش، تقدم جزاء بر عمل است.

عبارت بعدی با محوریت واژه «أمرنا» دو مسئله را ایجاد می‌کند؛ اول آنکه با توجه به حذف «مأمور به» امر و «فاء» در عبارت «ففسقوا» که دلالت بر ترتیب و تعقیب دارد، این ذهنیت را به وجود می‌آورد که خداوند به فسق و جور امر فرموده است. این ظاهر با مبنای حسن و قبح عقلی ناسازگار است زیرا اقتضای حسن و قبح عقلی به عنوان یکی از مبانی کلامی امامیه، میرا بودن خداوند از هرگونه دستوری بر فسق و گناه است.

مسئله مهم دیگر و فارغ از اینکه متعلق امر فسق باشد، تکوینی بودن امر در آیه است. امر تکوینی اراده منحصر الهی است و اراده مکلف هیچ نقشی در آن ندارد. ویژگی بارز این امر تخلف ناپذیری آن است که در اینجا یعنی اراده تکوینی همانا و تحقق متعلق اراده یا «مأمور به» همان و این چیزی جز «جبر» و عدم دخالت اراده مکلفان نیست. سستی این امر وقتی نمایان تر می‌شود که فسق به عنوان «مأمور به»، به این امر حتمی ضمیمه شود.

۲- پیشینه پژوهش

در عصر حاضر و در قالب مقاله و پایان‌نامه هیچ‌گونه اثری پیرامون عنوان مورد بحث یافت نشد؛ اما از پیشینیان، سید

قرآن مجید مشتمل بر اطلاق و تقييد، عام و خاص، ناسخ و منسوخ و نیز محکم و متشابه است. متشابه را می‌توان لبة پرتگاه انحراف در معارف قرآنی خواند. متشابهات قرآنی خشتی از معارف است که باید به درستی و با دقت در ظرایف علمی بر روی محک‌ها بنا نهاده شود ورنه تا ثریای حیات، انگاره‌های کلامی فرد یا مکتب را در مظان کژی قرار می‌دهد و بنای اعتقادی شخص را سست پایه می‌سازد. آیه ۱۶ سوره اسراء نیز یکی از متشابهات قرآنی است (زمخسری، ۱۴۰۷: ۱ / ۳۳۸)؛ آیه‌ای که خوانش ابتدایی آن با برخی مسلمات قرآنی، روایی و نیز مبانی کلامی ناسازگار می‌نماید. نیک می‌دانیم که یکی از مسائل اساسی نفی جبر و پذیرش اختیار برای انسان است؛ مسئله جبر و اختیار قدمتی به درازای تاریخ کلام دارد؛ این مسئله از جمله مسائل مهم کلام از ابتدا تاکنون بوده که معركة آراء و نظریات مختلف با هر نگرش و رویکرد فکری بوده است (روحانی، بی‌تا: ۱۱)؛ همچنین در میان مبانی کلامی، این قاعده عقلی وجود دارد که خداوند هیچ‌گاه شخص یا قومی را پیش از ارتکاب عمل مجازات نمی‌کند چرا که اجرای مجازات شخص قبل از عمل، عقلاً قبیح است. این قاعده عقلی نه تنها در نظام پاداش و جزای دینی مورد پذیرش است بلکه در سایر نظامات نیز مورد احترام و تأیید است که گاه از آن به «قصاص قبل از جنایت» تعبیر می‌شود.

خوانش ابتدایی آیه «وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاَهَا تَدْمِيرًا» (اسراء / ۱۶) ذهن آدمی را با دو چالش درگیر می‌سازد؛ اولین چالش پیرامون واژه «أردنا» و قرار گرفتن آن در نقش ادبی «شرط» و دومین چالش، پیرامون واژه «أمرنا» و قرار گرفتن آن در نقش ادبی «جزاء» است. چالش نخست آن است که اراده اهلاک در نقش شرط واقع شده و شأن شرط مقدمیت آن بر جزاء است. این تقدمیت با

مرتضی یکی از مجالس خود را به این بحث اختصاص داده است (الشریف المرتضی، ۱۴۳۵: ۱ / ۲۹ - ۳۲)؛ همچنین بسیاری از مفسران در این باره، دیدگاه خود را عرضه داشته‌اند که تلاش بیشتر ایشان کافی نبوده و نیازمند تبیین بیشتری است که در این جستار به تحلیل و نقد آن‌ها پرداخته می‌شود.

۳- تجزیه و تحلیل داده‌ها و بحث و بررسی

بنابر پیش گفته‌ها، مسئله این پژوهش، سه چالش عمده مذکور است. در همین راستا عبارت «أردنا أن نهلك قرية» و «أمرنا مترفها» در دو محور مفهوم شناسی «اراده» و «امر» مورد بررسی قرار می‌گیرد و نقش هر عبارت با توجه به آرای قرآن پژوهان تحلیل می‌شود.

۳-۱ بررسی احتمال‌های تفسیری اراده

درباره آیه ۱۶ سوره اسراء احتمال‌هایی وجود دارد که در پی بدان‌ها اشاره می‌شود:

۳-۱-۱ دیدگاه معنای ظاهری

اراده اجوف واوی از ریشه «رود» به معنای طلب است (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ۴/۴۶۶)، ابتدا و آغاز کار (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ۶/۳۶۶) و یا رفت و آمد با مدارا در طلب و درخواست چیزی است. «اراده» درباره خداوند به معنای حکم، نتیجه و پایان آن امر است؛ برخلاف اراده آدمیان که به معنای خواست نفسانی به مبدأ و آغاز چیزی است (راغب، ۱۴۱۲: ۳۷۱). ظهور کلمه «أردنا» بر معنای «طلب» دلالت دارد. این ظهور طبق اصول لفظی در مباحث زبانی اصولیان طرح شده است (مظفر، ۱۳۷۵: ۲۸؛ رشتی، بی تا: ۸۹). تفسیر نویسانی که در این باره سکوت برگزیده و نکته‌ای خلاف ظهور نگاشته‌اند را می‌توان در شمار قائلان این وجه دانست زیرا شیوه متداول تفسیر نویسان چنین است که تنها در جایی اظهار نظر می‌کنند که خلاف معنای ظاهری آن مدنظر باشد یا آنکه معنای ظاهری دارای دقت‌های لفظی و یا دربردارنده مباحثی افزون بر لفظ باشد. با این حال برخی بر معنای ظاهری تصریح کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶/۶۲۷). سؤالی که در

اراده مطرح می‌شود، این است که اراده مذکور از چه سنخی است؟ در مبانی اسلامی، اراده بر دو قسم تکوینی و تشریحی است؛ اراده تکوینی علم حق تعالی به ایجاد فعل اصلح در امور تکوینی است؛ یعنی افعالی از قبیل خلق و رزق و اماته و احیاء و... که مخصوص خداوند است همچنین اراده تشریحی عبارت از علم خدا به تکالیف بندگان از اوامر، نواهی، ارسال پیامبران، انزال کتب و جعل احکام است؛ بنابراین در اراده تکوینی، مصلحت در ایجاد خود فعل است درحالی که فعل از افعال الهی است و از اختیار عبد بیرون است و در اراده تشریحی مصلحت در امر، نهی و جعل حکم است و فعل از افعال اختیاری عبد و صلاح در صدور آن از عبد است (طیب، ۱۳۶۲: ۵۹ - ۶۰). طبق آنچه در تعریف اراده تکوینی و تشریحی بیان شد، اراده در آیه مزبور عبارت است از اراده تکوینی زیرا طبق آنچه بیان شد، اصل اراده تشریحی انشاء خداوند متعال است ولی تحقق عینی آن توسط انسان صورت می‌گیرد، حال آنکه اهلاك توسط خداوند صورت می‌گیرد نه توسط اهل قریه همچنانی که اضافه فعل به ضمیر فاعلی «نا» بر این مطلب صراحت دارد؛ از این رو تحقق اهلاك از سوی اهل قریه را نفی می‌کند که به دنبال آن اراده تشریحی نیز نفی می‌شود.

۳-۱-۲ دیدگاه معنای تأویلی

پیش‌تر بیان شد که یکی از وجوه در معنای «أردنا» همان معنای لغوی آن (طلبنا) است؛ چنانچه ظهور کلام بر آن دلالت دارد. برخی از مفسران به عنوان قول انتخابی خود و برخی دیگر به عنوان یک وجه تفسیری از معنای ظاهری اراده در این آیه عدول کرده و معنای «أردنا» را بر معنایی غیر از معنای ظاهری تأویل برده‌اند؛ ایشان قائل به مجاز در این واژه شده‌اند. قائلین به معنای مجازی در ذیل این واژه یک معنا را با تعبیر مختلف بیان داشته‌اند. معنای مجازی در این قسمت نزدیک شدن زمان عذاب مترفان است؛ بنابراین اینجا اراده به معنای «طلب» نیست بلکه منظور نزدیک شدن موعد نزول عذاب آن‌هاست (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲/۶۵۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۳/۱۸۲؛ ابن

۱-۲-۳ دیدگاه معنای ظاهری

«امر» ضد نهی است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲۹۷/۸). عموم لغویان «کار» و «عمل» را در معنای امر لحاظ کرده‌اند (همان؛ راغب، ۱۴۱۲: ۸۸). فعل این ریشه زمانی کاربست دارد که فرد مکلف به انجام چیزی باشد (راغب، ۱۴۱۲: ۸۸). ابداع، از معانی دیگر این ریشه است (همان: ۸۸). ابن فارس پنج وجه کار، مخالف نهی، فزونی و زیادی، نشانه و کار عجیب را برای امر ذکر کرده است (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۱۳۷/۱). وی برای هریک از معانی پیش‌گفته شواهدی ذکر می‌کند؛ به‌طور مثال برای معنای فزونی از مثل‌های عرب مثال می‌آورد که گویند «أمر الله ماله؛ خداوند ثروتش را فزونی دهد».

بیان شد که بهترین دلیل در توجیه دیدگاه معنای ظاهری، سازگاری آن با شواهد زبانی در عرف است. پس از پذیرش حمل واژه امرنا بر معنای ظاهری، دو پرسش پدید می‌آید:

یکم. متعلق امر یا همان «مأمور به» چیست؟

دوم. امر تکوینی مراد است یا تشریعی؟

۱-۲-۳-۱-۱ مأمور به و نوع امر

در آیه مورد بحث، تعیین «مأمور به» بسیار راهگشا و حائز اهمیت است. در این باره دو احتمال مطرح است؛ نخست اینکه متعلق امر، خداوند فسق است (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲/۶۵۴؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۳/۶۲)؛ علامه طباطبایی در تبیین این دیدگاه دو دلیل بیان داشته است: یکم. ظاهر عبارتی از این قبیل که «دستورش دادم پس او چنین و چنان کرد» این است که دستور به عین همان عملی که او کرده صادر شده است؛ یعنی عینیت فعلی بین متعلق دستور آمر (مأمور به) و متعلق فعل فاعل (عملکرد فاعل). حد وسط این ظهور تفریعی است که در عبارت موجود است؛ از همین رو در آیه ظاهر این است که امر به خود فسق تعلق گرفته باشد نه به طاعت. دلیل دوم اینکه اطاعت به عنوان «مأمور به» به مترفین اختصاص ندارد و امری همگانی است (طباطبایی، ۱۴۱۲: ۱۳/۶۲). به رغم اینکه زمخشری متعلق

عجیبه، ۱۴۱۹: ۱۸۹/۳). ابوعلی جبایی (د. ۳۰۳ ق) معتقد است که مراد این نیست که خدا پیش از معصیت و استحقاق عذاب، ایشان را هلاک گرداند چراکه صدور ظلم از خدا محال است بلکه مراد نزدیکی این حالت است، مانند اینکه گفته شود «وقتی مریض بخواهد بمیرد، امراض او شدت می‌یابد»؛ واضح است که شخص مریض خود قصد مردن ندارد (نہا، ۲۰۰۹: ۳/۳۵۳ - ۳۵۴). این قول را به جمله معتزلیان نسبت داده‌اند (ابوحیان، ۱۴۲۰: ۷/۲۴). گروهی از مفسران شیعه نیز از وجوه معتبر «أردنا» این معنای مجازی را بیان و به توضیح آن پرداخته‌اند. برای نمونه طبرسی گفته است: «کلمه اراده، در معنای حقیقی خود بکار نرفته بلکه منظور معنای مجازی یعنی نزدیک بودن هلاک است نه اراده هلاک» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶/۶۲۷-۶۲۴) وی در ادامه با کمک ادبیات عرب، مثال‌هایی را به عنوان شاهد ذکر کرده که به پاره‌ای از آن‌ها نیز در میزان آمده است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۳/۵۹)؛ با این استدلال که این سنخ مجاز گویی در کلام عرب متداول است. از جمله عبارات مورد استشهد «إذا أراد المریض ان يموت خلط فی مأكله و يسرع إلى ما تتوق نفسه» و یا عبارت «إذا أراد التاجر أن یفتقر آتاه الخسران» است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶/۶۲۷)، مشابه این تحلیل در بیان قاضی عبدالجبار قابل پی‌جویی است (قاضی عبدالجبار، ۱۴۲۶: ۲۲۷). در این‌گونه هیچ‌گاه متعلق اراده که در جمله ذکر شده است مثل مرگ و فقر، مقصود گوینده نیست بلکه اینجا مراد نزدیک شدن زمان آن‌ها است که به خاطر آثار بلاغی، از عبارت «أردنا» استفاده شده است. این نوع مجاز در عبارات دیگر قرآنی نیز کاربست داشته است. در سوره کهف آیه ۷۷ آمده است: «فَوَجَدَا فِيهَا جِدَاراً يُرِيدُ أَنْ يَنْقُضَ فَاقَامَهُ» که اراده را به نزدیکی (یکاد) تفسیر کرده‌اند (سیوطی، ۱۴۲۹: ۲/۶۱۰؛ همان، ۱۴۲۸: ۳/۲۴۷).

۲-۳ بررسی احتمالات تفسیر امر

در رابطه با احتمالات تفسیری امر دو دیدگاه ظاهری و تأویلی وجود دارد:

«مأمور به» را فسق در نظر گرفته اما از معنای حقیقی امر عدول کرده است و معنای مجازی آن را لحاظ می‌کند که این معنای مجازی، فزونی نعمت است (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲ / ۶۵۴).

این احتمال (امر به فسق) تعارض جدی با انگاره‌ی خیریت محض و مطلق ذات خداوند دارد. ارتکاز ذهنی و تبادل اولی افراد این است که همه‌ی افعال خداوند بدون شر و نقص است و تنها بر خیر فرمان می‌دهد؛ همچنانی که آموزه‌های دینی بر همین مسئله تأکید دارند. افزون بر این، مبانی کلامی بیشتر مذاهب اسلامی، مسئله مزبور را تأیید می‌کند.

احتمال دیگر این است که متعلق امر، حق و اطاعت باشد. با این احتمال، معنای آیه چنین می‌شود که خداوند امر به حق و اطاعت کرد ولی آنان فسق ورزیدند. از قائلین این احتمال در میان مفسران اهل سنت می‌توان به ابن‌ابی‌حاتم اشاره کرد؛ وی از ابن‌عباس درباره‌ی متعلق امر نقل می‌کند: «وَ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً قَال: أَمْرُنَا مَتْرَفِيهَا بِحَقِّ فَخَالَفُوهُ فَحَقَّ عَلَيْهِمْ بِذَلِكَ التَّدْمِيرُ» (ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹: ۷ / ۲۳۲۲) طبری نیز روایات گوناگونی ذکر

می‌کند که از جمله آن‌ها روایتی است که در آن آمده ایشان را به اطاعت خدا امر می‌کنیم ولی عصیان می‌کنند (طبری، ۱۴۱۲:

۴۱/۱۵-۴۲). قاضی عبدالجبار (۱۴۲۶: ۲۲۷)، فراء (۱۹۸۰: ۲/

۱۱۹)، ابن‌عجیبه (۱۴۱۹: ۳ / ۱۸۹)، حقی بروسوی (بی‌تا: ۵/

۲۴۳) و شیخ‌علوان (۱۹۹۹: ۱ / ۴۴۸) از جمله کسانی‌اند که

همگی در توضیح و تبیین آیه متعلق امر را اطاعت ذکر کرده‌اند.

بیشتر مفسران شیعه نیز اطاعت و ایمان آوردن را به عنوان متعلق

امر ذکر کرده‌اند (طوسی، بی‌تا: ۶ / ۴۵۸؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸:

۱۲ / ۲۰۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۶ / ۶۲۴).

سید مرتضی در تأیید این قول به ظهور این آیه استناد می‌کند،

دقیقاً برخلاف آنچه علامه طباطبایی و زمخشری در مورد ظاهر

آیه ذکر می‌کنند (الشریف‌المرتضی، ۱۴۳۵: ۱ / ۲۹). دلیل دیگری

که برخی از پیروان این دیدگاه بدان استناد کرده‌اند سیاق است؛

آنان بر این باورند که بنابر آیه‌ی پیشین، در سنت الهی هرگونه

عذاب بدون ارسال رسولان و فرستادن شریعت نفی شده است؛ از این رو در ادامه قاعده‌ی قبح عقاب بلا بیان، باید این‌گونه تفسیر کرد که اهلک صورت نمی‌گیرد مگر اینکه اوامر الهی به اهل قریه رسیده و حجت بر آنان تمام شده باشد.

اشکال این احتمال این است که وجه و دلیل معتبری بر اختصاص امر به حق برای مترفان نداریم بلکه امر به حق و اطاعت امری همگانی است؛ همچنان که آیه‌ی پیشین به عنوان شاهد این احتمال، تصریح بر آن دارد و از این همین رو بنیان سیاق می‌تواند مورد خدشه واقع شود چرا که متعلق آیه‌ی پیشین عموم مردم و متعلق این آیه مترفان‌اند.

طبری برای پاسخ به این اشکال، امر به مترفان را امری افزون بر تکلیف عمومی و اتمام حجت همگانی به حساب آورده است. او در *جوامع الجامع* آورده است که بعد از فرستادن پیامبران و تمام کردن حجت بر ایشان، اگر قصد بر هلاکت باشد، به منظور اتمام حجت بیشتر، ثروتمندان و رفاه‌طلبان آن قوم مأمور به ایمان و اطاعت می‌شوند (طبرسی، ۱۴۱۲: ۲ / ۳۲۱).

علامه طباطبایی در خصوص «مأمور به» آیه، ضمن محتمل دانستن هر دو وجه، با انحصار آیه بر احتمال نخست (امر به فسق)، مخالفت ورزیده ولی آن را قرین ظهور دانسته است (طباطبایی، ۱۴۱۲: ۱۳ / ۶۲).

خلاصه آنکه دو گزینه بیشتر پیش‌رو نیست: «امر تشریحی به طاعت» و «امر تکوینی به فسق». امر تشریحی به طاعت دارای دو اشکال تخالف با ظاهر کلام و اختصاص امر طاعت به مترفان مواجه است و امر تکوینی به فسق با اشکال جبر و عدم نقش اراده انسان روبرو است.

آنچه بیان شد مطابق قرائت مشهور «أمرنا» بود؛ اما طبق قرائت شاذ «أمرنا» معنای حقیقی آن با معنای مذکور متفاوت است چرا که «أمرنا» از باب تفعیل است که در این صورت معنای آن اعطای مقام ریاست و زعامت قوم خواهد بود (جوهری، ۱۴۰۴: ۲ / ۵۸۲؛ ابن‌منظور، ۱۴۰۷: ۴ / ۳۱؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ۶ / ۳۸)؛ از

این رو برخی دانشوران این معنا را در آثار خود باز گفته‌اند (زید بن علی، ۱۴۱۲: ۱/ ۱۸۵؛ طبری، ۱۴۱۲: ۱۵/ ۴۲؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۳/ ۲۵۱؛ طنطاوی، ۱۹۹۷: ۸/ ۱۱۷؛ ملاحویش، ۱۳۸۲: ۲/ ۴۶۱).

۲-۲-۳ دیدگاه معنای تأویلی

به طور اجمالی بیان شد که برخی مفسران در آیه مورد بحث از معنای ظاهری امرنا مبنی بر دستور و فرمان، عدول کرده و آن را به معانی دیگر تأویل کرده‌اند؛ به عبارت دیگر امرنا در معنای حقیقی خود به کار نرفته است بلکه در اینجا دارای معنای مجازی است. در مجاز امر اگرچه می‌توان احتمالات متعددی را در نظر گرفت لکن تنها دو مجاز و تأویل بیش از سایر احتمالات در بین مفسران مطرح است:

۱-۲-۲-۳ امر کردن به معنای تسلط ساختن

برخی مفسران تجوز در معنای امر را به تسلط و متولی جامعه ساختن حمل کرده‌اند. این مجاز هم بنا بر قرائت «أمرنا» (قرائت مشهور) و هم بنا بر قرائت «أمرنا» و مطابق با قرائت زید بن علی و سایرین است (زید بن علی، ۱۴۱۲: ۱/ ۱۸۵؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۷/ ۲۳۲۳؛ طبری، ۱۴۱۲: ۱۵/ ۴۲-۴۱؛ ابن ملقن شافعی، ۱۴۰۸: ۲۱۶؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۱/ ۲۳۲). به هر جهت این معنای مجازی ناظر به بعد اجتماعی - سیاسی است؛ از این رو مفهوم آیه چنین خواهد بود که خداوند مترفان و خوشگذرانان را بر امور اجتماعی جامعه مسلط می‌سازد و زمام امور به دست آن‌ها می‌سپارد. قطعاً چنین کسانی وضعیت جامعه را به سوی فسق و فجور و به دنبال آن هلاک و نابودی رهنمون خواهند ساخت.

۲-۲-۲-۳ امر کردن به معنای زیاد ساختن

دومین معنای مجازی که تفسیر نویسان ذکر کرده‌اند «اکثار» به معنای زیاد ساختن است. این تجوز هم بنا بر قرائت مشهور «أمرنا» و هم بنا بر قرائت نادر «أمرنا» و «أمرنا» است (طبری، ۱۴۱۲: ۱۵/ ۴۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۰/ ۳۱۴؛ بیضاوی، ۱۴۱۸:

۳/ ۲۵۱؛ قمی، ۱۳۶۳: ۲/ ۱۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۶/ ۶۲۴؛ طنطاوی، ۱۹۹۷: ۸/ ۳۱۶). بر این اساس معنای آیه چنین است که خداوند اهل فسق و فجور را در جامعه زیاد می‌گرداند. این معنا صرفاً ناظر به بعد اجتماعی است؛ یعنی اجتماعی که اراده هلاکت به آن‌ها تعلق گرفته است، هنگامی که عمیقاً بدان‌ها نگرسته شود، در می‌یابیم که اهل ترف و خوشگذرانی‌اند.

قشیری (د. ۴۶۵) به این تأویل اشاره و سپس به سازوکار وقوع چنین سنتی پرداخته است. وی معتقد است زمانی که اهل فساد زیاد شوند و ابرار کاستی گیرند، عذاب خداوند خلق را در برمی‌گیرد، در پس این اتفاقات، دیگر کسانی نیستند که نزد خدا دعا و زاری خود کنند و تنها ارباب فسادند که بر زمین سیطره دارند، وانگهی شدت بلا و عذاب بالا می‌گیرد (قشیری، ۲۰۰۰:

۲/ ۳۴۱). شاید بتوان سخن روزبهان را هم بر همین معنا حمل کرد، هرچند احتمال معنای اول (تسلط ساختن) نیز بعید به نظر نمی‌رسد، وی نوشته است که هرگاه خدا قصد ویرانی دنیا را داشته باشد، نیکان را از زمین می‌گیرد و دشمنان ایشان را باقی می‌گذارد، در این هنگام که راست‌کرداران در هستی نیستند تا با دعایشان دفع عذاب کنند، عذاب نازل می‌شود و هنگامی که خدا قصد ویرانی قلب منحرف را داشته باشد، لشکر هواهای نفسانی و شیطان را فرو می‌فرستند و در پی آن نیز بلاهای طبیعی خواهد آمد (روزبهان بقلی، ۲۰۰۸: ۲/ ۳۵۴).

۳-۲-۲-۳ فزونی نعمت به مثابه اسباب تحقق هلاکت

دسته‌ای دیگر از تفسیر پژوهان در معنای مجازی امر، فزونی نعمت را ذکر کرده‌اند؛ ایشان گفته‌اند که متعلق امر فساد است اما امر در معنای حقیقی خود به کار نرفته بلکه مراد سرشاری نعمت برای اهل قریه است که این سرشاری، مقدمه‌ای برای گناهان و شهوت‌رانی ایشان است (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲/ ۶۵۴؛ عکبری، ۱۴۱۹: ۱/ ۲۳۶؛ نظام الأعرج، ۱۴۱۶: ۴/ ۳۳۳). این معنای نزدیک به معنای پیشین است، با این تفاوت که متعلق اکثار در معنی پیشین خود مترفان و خوشگذرانان و اهل فسق و فجور

این تفاوت که علامه، آن قطعیت موجود در سخن زمخشری که وجوه دیگر را بر نمی‌تابید، نقد و همچنین این فرآیند را ذیل سنت املاء و استدراج ذکر کرده است (طباطبایی، ۱۴۱۲: ۱۳/ ۶۰).

است ولی در این معنا متعلق اکثر دارایی و فرزندان اهل ترف و خوشگذرانی است. زمخشری این تفسیر را ذیل «أمرنا» آورده و عکبری و علامه طباطبایی آن را ذیل قرائت «أمرنا» آورده‌اند. قول علامه طباطبایی را می‌توان مؤید سخن زمخشری دانست، با

جدول شماره (۱) معنایی محتمل بنا بر اختلاف قرائت

معنایی محتمل بنا بر اختلاف قرائت			
قرائت شاذ		قرائت مشهور	معنایی محتمل
أمرنا	أمرنا	أمرنا	
☒	☒	☑	طلب
☒	☑	☒	تولیت و امارت
☒	☑	☑	تسلط مترفان
☑	☑	☑	زیاد ساختن مترفان
☑	☒	☑	فزونی نعمت مترفان

که فیلسوفان نیز آن را ذکر کرده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۴: ۱۱۲؛ جهامی، ۱۹۹۸: ۱۷۸). این ساختار در بردارنده تقدم اراده اهلاک قوم، بر فسق ایشان است. بر همین اساس این نقش ادبی مستلزم چالش تقدم جزاء بر عمل است، گرچه این چالش منحصر در این ساختار نیست.

۳-۳-۲ شرط مؤخر و جزای مقدم

برخی مفسران برای گریز از مشکل مذکور، قائل به تقدیم و تأخیر کلام شده‌اند؛ چنانچه کلام و شعر عرب خالی از این نوع اسلوب نیست. طبق این دیدگاه ساختار آیه چنین است: «إذا أمرنا مترفی قریة بالطاعة فعصوا واستحقوا العقاب أردنا إهلاكهم» از همین رو «أردنا أن نهلك قریة» جزا و عبارت «أمرنا مترفیها ففسقوا» شرط به حساب می‌آید و معنای آیه چنین است: «هنگامی که منتعمان قریه‌ای را به طاعت امر کنیم و نافرمانی کنند، نابودی آن‌ها را اراده می‌کنیم.»

۳-۳-۳ بررسی ساختار ادبی عبارت «إذا أردنا أن نهلك قریة أمرنا مترفیها»

یکی دیگر از مباحث که در معنا و فهم آیه مؤثر است، نقش عبارت «إذا أردنا أن نهلك قریة» است. برای این عبارت دو نقش ذکر کرده‌اند:

۱-۳-۳ شرط و جزای مرتب

در غالب ترکیب‌های جمله‌های شرطی، عبارت پس از ادات شرطی، در مقام شرط به حساب می‌آید. در اینجا لفظ «إذا» جمله «أردنا أن نهلك قریة» را شرط ساخته است و «أمرنا مترفیها» به دنبال آن به عنوان جزاء می‌آید و عملکرد اهل قریه در پی امر الهی، «ففسقوا» است. با توجه به اینکه شرط به مثابه علت است همچنانی که اصولیان نیز به این خصیصه شرط اشاره کرده‌اند (فاضل لنکرانی، ۱۴۳۰: ۲/ ۴۳۲؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۸: ۲/ ۱۸۸) و از سویی دیگر شأن شرط، تقدمیت است؛ آن چنان

با توجه به آنچه بیان شد، مفسران سه ساختار کلی و نقش ادبی برای آیه مزبور ذکر کرده‌اند:

۱- عبارت «اذا أردنا أن نهلك قرية» در مقام شرط و «أمرنا مترفيها» در مقام جزا و جواب شرط؛

۲- عبارت «اذا أردنا أن نهلك قرية» در مقام شرط و «أمرنا مترفيها» در مقام وصف قریه و جزای جمله شرط به قرینه عبارات بعدی محذوف است؛

۳- عبارت «اذا أردنا أن نهلك قرية» در مقام جزا و «أمرنا مترفيها» در مقام شرطی است که مؤخر واقع شده است.

همچنین برای «أردنا» دو معنا و برای «أمرنا» شش معنا ذکر شد. که متعلق امر دو احتمال داده شد، مجموع این احتمالات ۱۴ احتمالی است که با ضرب در ۳ ساختار بالا، در مجموع ۴۲ احتمال را برای آیه رقم می‌زند. هر یک از این احتمالات نسبت خاصی را با چالش‌های کلامی داراست که در ذیل سه ساختار مزبور بررسی می‌شود. افزون بر چالش‌های کلامی پیش روی احتمالات تفسیری، هر احتمال با ملاحظات ادبی خاصی نیز روبرو است. این ملاحظات مشتمل بر حذف، مجاز و تقدم و تأخر است.

۱۴ احتمال ذیل ساختار اول به همراه اشکالات هر احتمال در جدول (۲) ارائه شده است:

دانشوران قائل به این نظر، در تأیید ادعای خود شواهدی از قرآن ارائه کرده‌اند؛ یکی از شاهدها عبارت است از آیه «وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلَتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ» (النساء: ۱۰۲) که تقدم مفهومی جمله «فلتقم...» بر جمله «فاقمت...» بدیهی می‌نماید. نمونه دیگر «إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ» (المائدة: ۶) است که در اینجا هم وضو پیش از نماز واضح است (الشریف المرتضی، ۱۹۹۸: ۱/ ۲۹-۳۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۶۲۴-۶۲۷/۶) بر اساس این ساختار ادبی چالش تقدم اهلاک بر امر به طور کلی منتفی می‌شود اما با دو چالش دیگر؛ امر به فسق و جبر برآمده از امر الهی مواجه است.

۳-۳-۳ شرط مقدم و جزای محذوف

برخی مفسران از همان ابتدا با در نظر داشتن چالش‌های پیش‌گفته، جمله «أردنا أن نهلك قرية» را شرط ولی جزای آن را محذوف و جمله «أمرنا مترفيها» را وصف قریه به شمار آورده‌اند. بر اساس این ساختار ترجمه چنین است: «هنگامی که ما اراده نابودی اجتماعی را داشتیم که به آن‌ها امر کرده بودیم...» طبرسی این احتمال را یاد می‌کند. وی قائل است که جواب «إذا» محذوف است و نیازی هم به آن نیست زیرا ظهور جمله کافی است و آیه را مشابه «حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا... فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ» (الزمر: ۷۴-۷۳) دانسته است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶/ ۶۲۷-۶۲۴).

جدول شماره (۲) چهارده احتمال ذیل ساختار اول به همراه اشکالات هر احتمال

ملاحظه ادبی	چالش کلامی	آیه		
		أمرنا مترفيها ففسقوا فيها	إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً	
		جزای مؤخر	شرط مقدم	ساختارهای ادبی ← احتمال ↓
—	ناساز نما (تخلف پذیری) + جبر+	فرمان تکوینی به طاعت	خواست	احتمال اول

آیه	چالش کلامی	ملاحظه ادبی	
إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً			
أَمْرًا مُتَرَفِّعًا فَنَسْفُوا فِيهَا			
احتمال دوم	تقدم جزاء بر عمل	—	
	فرمان تکوینی به فسق	جبر + تقدم جزاء بر عمل	
	فرمان تشریحی به طاعت	ناسازگاری با مبانی (اختصاص تکلیف بعد از اراده هلاکت و اختصاص تکلیف تنها به مترفان) + تقدم جزاء بر عمل	
	فرمان تشریحی به فسق	ناسازگاری با حسن و قبح عقلی + تقدم جزاء بر عمل	
	تحقق اسباب فسق	تقدم جزاء بر عمل	
	مسلمت کردن	تقدم جزاء بر عمل	
	زیاد ساختن	تقدم جزاء بر عمل	
	احتمال سوم	فرمان تکوینی به طاعت	ناساز نما (تخلف پذیری) + جبر
		فرمان تکوینی به فسق	جبر
		فرمان تشریحی به طاعت	ناسازگاری با مبانی (اختصاص تکلیف بعد از اراده هلاکت و اختصاص تکلیف تنها به مترفان)
فرمان تشریحی به فسق		ناسازگاری با حسن و قبح عقلی	
تحقق اسباب فسق		—	
مسلمت کردن		—	
زیاد ساختن		—	
احتمال چهارم		تقدم جزاء بر عمل	مجاز گویی در امر
		تقدم جزاء بر عمل	مجاز گویی در امر
		تقدم جزاء بر عمل	مجاز گویی در امر
	فرمان تکوینی به طاعت	مجاز گویی در اراده	
	فرمان تکوینی به فسق	مجاز گویی در اراده	
	فرمان تشریحی به طاعت	مجاز گویی در اراده	
	فرمان تشریحی به فسق	مجاز گویی در اراده	
احتمال پنجم	تقدم جزاء بر عمل	مجاز گویی در امر	
	تقدم جزاء بر عمل	مجاز گویی در امر	
	تقدم جزاء بر عمل	مجاز گویی در امر	
	فرمان تکوینی به طاعت	مجاز گویی در اراده	
	فرمان تکوینی به فسق	مجاز گویی در اراده	
	فرمان تشریحی به طاعت	مجاز گویی در اراده	
	فرمان تشریحی به فسق	مجاز گویی در اراده	
احتمال ششم	تقدم جزاء بر عمل	مجاز گویی در امر	
	تقدم جزاء بر عمل	مجاز گویی در امر	
	تقدم جزاء بر عمل	مجاز گویی در امر	
	فرمان تکوینی به طاعت	مجاز گویی در اراده	
	فرمان تکوینی به فسق	مجاز گویی در اراده	
	فرمان تشریحی به طاعت	مجاز گویی در اراده	
	فرمان تشریحی به فسق	مجاز گویی در اراده	
احتمال هفتم	تقدم جزاء بر عمل	مجاز گویی در امر	
	تقدم جزاء بر عمل	مجاز گویی در امر	
	تقدم جزاء بر عمل	مجاز گویی در امر	
	فرمان تکوینی به طاعت	مجاز گویی در اراده	
	فرمان تکوینی به فسق	مجاز گویی در اراده	
	فرمان تشریحی به طاعت	مجاز گویی در اراده	
	فرمان تشریحی به فسق	مجاز گویی در اراده	
احتمال هشتم	تقدم جزاء بر عمل	مجاز گویی در امر	
	تقدم جزاء بر عمل	مجاز گویی در امر	
	تقدم جزاء بر عمل	مجاز گویی در امر	
	فرمان تکوینی به طاعت	مجاز گویی در اراده	
	فرمان تکوینی به فسق	مجاز گویی در اراده	
	فرمان تشریحی به طاعت	مجاز گویی در اراده	
	فرمان تشریحی به فسق	مجاز گویی در اراده	
احتمال نهم	تقدم جزاء بر عمل	مجاز گویی در امر	
	تقدم جزاء بر عمل	مجاز گویی در امر	
	تقدم جزاء بر عمل	مجاز گویی در امر	
	فرمان تکوینی به طاعت	مجاز گویی در اراده	
	فرمان تکوینی به فسق	مجاز گویی در اراده	
	فرمان تشریحی به طاعت	مجاز گویی در اراده	
	فرمان تشریحی به فسق	مجاز گویی در اراده	
احتمال دهم	تقدم جزاء بر عمل	مجاز گویی در امر	
	تقدم جزاء بر عمل	مجاز گویی در امر	
	تقدم جزاء بر عمل	مجاز گویی در امر	
	فرمان تکوینی به طاعت	مجاز گویی در اراده	
	فرمان تکوینی به فسق	مجاز گویی در اراده	
	فرمان تشریحی به طاعت	مجاز گویی در اراده	
	فرمان تشریحی به فسق	مجاز گویی در اراده	
احتمال یازدهم	تقدم جزاء بر عمل	مجاز گویی در امر	
	تقدم جزاء بر عمل	مجاز گویی در امر	
	تقدم جزاء بر عمل	مجاز گویی در امر	
	فرمان تکوینی به طاعت	مجاز گویی در اراده	
	فرمان تکوینی به فسق	مجاز گویی در اراده	
	فرمان تشریحی به طاعت	مجاز گویی در اراده	
	فرمان تشریحی به فسق	مجاز گویی در اراده	
احتمال سیزدهم	تقدم جزاء بر عمل	مجاز گویی در امر	
	تقدم جزاء بر عمل	مجاز گویی در امر	
	تقدم جزاء بر عمل	مجاز گویی در امر	
	فرمان تکوینی به طاعت	مجاز گویی در اراده	
	فرمان تکوینی به فسق	مجاز گویی در اراده	
	فرمان تشریحی به طاعت	مجاز گویی در اراده	
	فرمان تشریحی به فسق	مجاز گویی در اراده	
احتمال چهاردهم	تقدم جزاء بر عمل	مجاز گویی در امر	
	تقدم جزاء بر عمل	مجاز گویی در امر	
	تقدم جزاء بر عمل	مجاز گویی در امر	
	فرمان تکوینی به طاعت	مجاز گویی در اراده	
	فرمان تکوینی به فسق	مجاز گویی در اراده	
	فرمان تشریحی به طاعت	مجاز گویی در اراده	
	فرمان تشریحی به فسق	مجاز گویی در اراده	

همان‌گونه که در جدول آمده است، هر یک از احتمالات با اشکالاتی از جهت محتوا و ادبیات آویخته است. تنها سه احتمال نهایی خالی از چالش‌های کلامی است. این پیمایش، بیانگر آن است که اگر با ساختار شرطیت «أردنا أن نهلك» و جزا بودن «أمرنا مترفیها» لحاظ کنیم، نمی‌توان اراده و امر را به صورت حقیقی معنا کرد؛ در این صورت اراده به معنای نزدیکی زمان هلاکت و امر به یکی از معانی تحقق اسباب فسق، مسلط کردن اشرار و زیاد ساختن اهل ترف در نظر گرفت. هر یک از این احتمالات سه‌گانه ناگزیر از مجاز است.

نکته دیگر اینکه اگر امر در مقام جزا بر امر تشریحی حمل شود، با مبانی کلامی ناسازگار است زیرا طبق مبانی کلامی به ویژه قاعده لطف و آیه ۱۵ سوره اسراء، امر تشریحی مقدم بر سنت اهلاک

است نه اینکه هنگام تحقق اهلاک یا نزدیکی آن نوبت به امر تشریحی برسد. این نقص را مفهوم شرط آیه پرننگ تر می‌سازد چرا که مفهوم شرط یعنی نفی حکم و جزاء در صورت نفی شرط. بر همین اساس مفهوم شرط این مورد چنین می‌شود که اگر اهلاک نباشد، امر تشریحی نیست؛ حال آنکه امر تشریحی، در صورت نبود اهلاک نیز محقق است. باید گفت که این چالش محتوایی تنها در صورتی است که «أمرنا» در مقام جزا تحلیل شود.

۱۴ احتمالی که ذیل ساختار دوم (أردنا؛ شرط و أمرنا مترفیها؛ وصف) مطرح است، این چنین است (جدول ۳)

جدول شماره (۳) چهارده احتمالی که ذیل ساختار دوم (أردنا؛ شرط و أمرنا مترفیها؛ وصف)

مفاد آیه ⇐	إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرِيبَةً	أَمْرًا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا	چالش کلامی	ملاحظه ادبی
ساختارهای ادبی ⇐ احتمال ↓	شرط	وصف		
احتمال پانزدهم	خواست	فرمان تکوینی به طاعت	ناسازنما (تخلف پذیری) + جبر	جزای محذوف
احتمال شانزدهم		فرمان تکوینی به فسق	جبر	جزای محذوف
احتمال هفدهم		فرمان تشریحی به طاعت	ناسازگاری با مبانی (اختصاص تکلیف به مترفان)	جزای محذوف
احتمال هجدهم		فرمان تشریحی به فسق	ناسازگاری با حسن و قبح عقلی	جزای محذوف
احتمال نوزدهم		تحقق اسباب فسق	—	مجاز گویی در امر + جزای محذوف
احتمال بیستم		مسلط کردن	—	مجاز گویی در امر + جزای محذوف

مفاد آیه ⇐	إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً	أَمْرًا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا	چالش کلامی	ملاحظه ادبی
احتمال بیست و یک		زیاد ساختن	—	مجاز گویی در امر + جزای محذوف
احتمال بیست و دوم	نزدیکی زمان هلاکت	فرمان تکوینی به طاعت	ناسازنما (تخلف پذیری) + جبر	مجاز گویی در اراده + جزای محذوف
احتمال بیست و سوم		فرمان تکوینی به فسق	جبر	مجاز گویی در اراده + جزای محذوف
احتمال بیست و چهارم		فرمان تشریحی به طاعت	ناسازگاری با مبانی (اختصاص تکلیف به مترفان)	مجاز گویی در اراده + جزای محذوف
احتمال بیست و پنجم		فرمان تشریحی به فسق	ناسازگاری با حسن و قبح عقلی	مجاز گویی در اراده + جزای محذوف
احتمال بیست و ششم		تحقق اسباب فسق	—	مجاز گویی در اراده + مجاز گویی در امر + جزای محذوف
احتمال بیست و هفتم		مسلط کردن	—	مجاز گویی در اراده + مجاز گویی در امر + جزای محذوف
احتمال بیست و هشتم		زیاد ساختن	—	مجاز گویی در اراده + مجاز گویی در امر + جزای محذوف

در این احتمالات ۱۴ گانه (جدول ۳) تنها شش صورت خالی از شرط مؤخر و جزای مقدم در آیه عبارت است از (جدول ۴).

اشکالات کلامی است. همچنین ۱۴ احتمال پایانی با ساختار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

جدول شماره (۴) احتمال پایانی با ساختار شرط مؤخر و جزای مقدم

مفاد آیه ⇐	إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً	أَمْرًا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا	چالش کلامی	ملاحظه ادبی
ساختارهای ادبی ⇐ احتمال ↓	جزای مؤخر	شرط مقدم		
احتمال بیست و نهم	خواست	فرمان تکوینی به طاعت	ناسازنما (تخلف پذیری) + جبر	تأخر و تقدم در عبارت
احتمال سیام		فرمان تکوینی به	جبر	تأخر و تقدم در عبارت

مفاد آیه ↵	إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً	أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا	چالش کلامی	ملاحظه ادبی
		فسق		
احتمال سی و یکم		فرمان تشریحی به طاعت	ناسازگاری با مبانی (اختصاص تکلیف به مترفان)	تأخر و تقدم در عبارت
احتمال سی و دوم		فرمان تشریحی به فسق	ناسازگاری با حسن و قبیح عقلی	تأخر و تقدم در عبارت
احتمال سی و سوم		تحقق اسباب فسق	—	تأخر و تقدم در عبارت
احتمال سی و چهارم		مسلط کردن	—	مجاز گویی در امر + تأخر و تقدم در عبارت
احتمال سی و پنجم		زیاد ساختن	—	مجاز گویی در امر + تأخر و تقدم در عبارت
احتمال سی و ششم		فرمان تکوینی به طاعت	ناسازگاری (تخلف پذیری) + جبر	مجاز گویی در اراده + تأخر و تقدم در عبارت
احتمال سی و هفتم	نزدیکی زمان هلاکت	فرمان تکوینی به فسق	جبر	مجاز گویی در اراده + تأخر و تقدم در عبارت
احتمال سی و هشتم		فرمان تشریحی به طاعت	ناسازگاری با مبانی (اختصاص تکلیف به مترفان)	مجاز گویی در اراده + تأخر و تقدم در عبارت
احتمال سی و نهم		فرمان تشریحی به فسق	ناسازگاری با حسن و قبیح عقلی	مجاز گویی در اراده + تأخر و تقدم در عبارت
احتمال چهارم		تحقق اسباب فسق	—	مجاز گویی در اراده + تأخر و تقدم در عبارت
احتمال چهل و یکم		مسلط کردن	—	مجاز گویی در اراده + تأخر و تقدم در عبارت
احتمال چهل و دوم		زیاد ساختن	—	مجاز گویی در اراده + تأخر و تقدم در عبارت

در این ۱۴ احتمال (جدول ۴) نیز شش صورت بدون چالش کلامی است.

بین ۴۶ احتمال، تنها ۱۵ احتمال زیر (جدول شماره ۵) در آیه

مورد بحث قابل اتکاست.

با طرد احتمالاتی که آیه با چالش‌های کلامی مواجه است، از

جدول شماره (۵) پانزده احتمال نامبرده در آیه

ملاحظات ادبی	أمرنا مترفیهما ففسقوا		إذا أردنا أن نهلك		ردیف
	نقش عبارت	معنای امر	نقش عبارت	معنای اراده	
مجاز گویی در اراده + مجاز گویی در امر	جزا	تحقق اسباب فسق	شرط	نزدیکی زمان هلاکت	۱
مجاز گویی در اراده + مجاز گویی در امر	جزا	مسلط کردن	شرط	نزدیکی زمان هلاکت	۲
مجاز گویی در اراده + مجاز گویی در امر	جزا	زیاد ساختن	شرط	نزدیکی زمان هلاکت	۳
مجاز گویی در امر + جزای محذوف	وصف	تحقق اسباب فسق	شرط	خواست	۴
مجاز گویی در امر + جزای محذوف	وصف	مسلط کردن	شرط	خواست	۵
مجاز گویی در امر + جزای محذوف	وصف	زیاد ساختن	شرط	خواست	۶
مجاز گویی در اراده + مجاز گویی در امر + جزای محذوف	وصف	تحقق اسباب فسق	شرط	نزدیکی زمان هلاکت	۷
مجاز گویی در اراده + مجاز گویی در امر + جزای محذوف	وصف	مسلط کردن	شرط	نزدیکی زمان هلاکت	۸
مجاز گویی در اراده + مجاز گویی در امر + جزای محذوف	وصف	زیاد ساختن	شرط	نزدیکی زمان هلاکت	۹
تأخر و تقدم در عبارت	شرط مؤخر	تحقق اسباب فسق	جزای مقدم	خواست	۱۰
مجاز گویی در امر + تأخر و تقدم در عبارت	شرط مؤخر	مسلط کردن	جزای مقدم	خواست	۱۱
مجاز گویی در امر + تأخر و تقدم در عبارت	شرط مؤخر	زیاد ساختن	جزای مقدم	خواست	۱۲
مجاز گویی در اراده + مجاز گویی در امر + تأخر و تقدم در عبارت	شرط مؤخر	تحقق اسباب فسق	جزای مقدم	نزدیکی زمان هلاکت	۱۳
مجاز گویی در اراده + مجاز گویی در امر + تأخر و تقدم در عبارت	شرط مؤخر	مسلط کردن	جزای مقدم	نزدیکی زمان هلاکت	۱۴
مجاز گویی در اراده + مجاز گویی در امر + تأخر و تقدم در عبارت	شرط مؤخر	زیاد ساختن	جزای مقدم	نزدیکی زمان هلاکت	۱۵

نظر به پیش گفته‌ها، سه احتمال نخست که منجر به مجاز گویی عاری از تقدیر، تقدیم و تأخیر است، وجوه تأویلی برتر آیه به شمار می‌آید. این مجاز گویی در دو عبارت «أردنا» و «أمرنا» است. مراد از «أردنا» معنای مجازی نزدیکی زمان هلاکت و معنای مجازی «أمرنا» به سه نحو است.

۴- نتیجه‌گیری

در اراده، امر و ساختارهای متفاوت ادبی آیه ۱۶ اسراء، می‌توان تأویل‌ها و صورت‌های مختلفی را فرض کرد که البته بیشتر آن‌ها با دو چالش جبر و تقدم جزا بر عمل مواجه‌اند و تنها ۱۵ صورت آن فارغ از چالش‌های محتوایی است و از این میان شش صورت به صواب نزدیک‌تر است که در بین این شش صورت، آن احتمالی که منجر به مجاز در کلام است، بر سه احتمال دیگر که منجر بر تقدیم و تأخیر در کلام و حذف است، ترجیح دارد. این سه تأویل نهایی عبارت است از:

۱. مراد از «أردنا» یعنی نزدیکی زمان هلاکت با نقش ادبی شرط و مراد از «أمرنا» یعنی تحقق اسباب فسق به مثابه جزا در کلام.
۲. مراد از «أردنا» یعنی نزدیکی زمان هلاکت به مثابه شرط در کلام و مراد از «أمرنا» یعنی مسلط کردن به مثابه جزا در کلام.
۳. مراد از «أردنا» یعنی نزدیکی زمان هلاکت با نقش ادبی شرط و مراد از «أمرنا» یعنی زیاد ساختن.

کتابنامه:

قرآن مجید

ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. محقق: جمال‌الدین میردامادی. بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.

ابن‌ابی‌حاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹ق). *تفسیر القرآن العظیم*. ریاض: مکتبه نزار مصطفی‌الباز.

اگر بخواهیم در میان ۱۵ حالت (جدول ۵)، برخی را ترجیح دهیم، باید به ملاحظات ادبی هر یک بپردازیم زیرا حذف، مجاز و تأخر و تقدم همه در یک درجه و میزان اعتبار نیستند. حذف و تقدیم هر دو خلاف اصل ادبی است. قاعدهٔ مادر، ترتیب کلام طبق ساختار متعارف است؛ این اصل آن قدر مسلم و قطعی است که در نزد ادیبان، امری مفروض به شمار آمده است و تنها در فضای نقد ادبی بدان اشاره کرده‌اند.

از جمله نتایج قاعدهٔ مزبور عدم تقدیم و تأخیر در کلام است؛ از همین رو تصریح شده است که اگر بتوان معنای صحیحی برای کلام، بدون تقدیم و تأخیر در نظر گرفت، نمی‌توان کلام را بر تقدیم و تأخیر حمل کرد. بر این اساس، این احتمال که سید مرتضی در امالی به عنوان یکی از وجوه تأویلی آیه برای رهایی از چالش‌های محتوایی پیشنهاد می‌دهد، ترجیحی ندارد.

همچنین احتمالاتی که منجر به جزای محذوف است، با چالش مخالفت با اصل مواجه‌اند؛ «الأصل فی الکلام أن لا حذف» (ناظر الجیش، ۱۴۲۸: ۷۹/۹). بر این اساس سه احتمال نخست بر سایر احتمالات ترجیح و برتری دارد. مجاز امری معمول و متعارف و سبب شیوایی کلام است. این مجاز به نحوی در کلام عرب شایع است که برخی گفته‌اند که مجاز بر استعمال حقیقت نیز ترجیح و برتری دارد؛ به گونه‌ای که خلق طبیعی شنونده را دگرگون می‌سازد (صغیر، ۱۴۲۰: ۶۱). این اصل حتی در اصول فقه نیز جریان دارد؛ برخی اصولیان حذف و تقدیر را خلاف اصل دانسته‌اند، در حالی که مجاز نسبت به حقیقت در جایی که کلام منجر به تقدیر فراوان است، ترجیح دارد (کرباسی، بی‌تا: ۵۳۲). ایشان مجاز را نسبت به اشتراک، برتر می‌دانند. ادلهٔ مذکور آن‌ها اعم از ترجیح بر اشتراک به تنهایی است. این ادله عبارت‌اند از کثرت و غلبه استعمال، عدم اجمال در کلام و اوسعیت در عبارت. این ادله در مورد ترجیح مجاز بر حذف و تقدیم و تأخیر نیز صادق است.

- ابن عجبیه، احمد (۱۴۱۹ق). *البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید*. محقق: حسن عباس زکی. قاهر: بی‌نا.
- ابن فارس، ابوالحسین أحمد (۱۳۹۹ق). *معجم مقاییس اللغة*. تحقیق: عبد السلام محمد هارون. بی‌جا: دارالفکر.
- ابن ملقن، عمر بن علی (۱۴۰۸ق). *تفسیر غریب القرآن*. بیروت: عالم الکتب.
- ابو حیان، محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق). *البحر المحیط فی التفسیر*. بیروت: دار الفکر.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۵ق). *البرهان فی تفسیر القرآن*. قم: موسسه البعثه.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق). *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- جهامی، جیرار (۱۹۹۸م). *موسوعة مصطلحات الفلسفة عند العرب*. بیروت: مكتبة لبنان ناشرون.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۴ق). *الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة*. محقق: احمد عبدالغفور عطار. بیروت: دار العلم للملایین.
- حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی (بی‌تا). *تفسیر روح البیان*. بیروت: دار الفکر.
- درویش، محی‌الدین (۱۴۱۵ق). *اعراب القرآن و بیانه*. سوریه: دارالارشاد.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات ألفاظ القرآن*. محقق: صفوان عدنان داوودی، بیروت - دمشق: دار القلم - الدار الشامیة.
- رشتی، حبیب الله بن محمد علی (بی‌تا). *بدائع الافکار*. قم: موسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
- روحانی، سید صادق (بی‌تا). *الجبر و الاختیار*. قم: بی‌نا.
- روزبهان بقلی، روزبهان بن ابی نصر (۲۰۰۸م). *عرائس البیان فی حقائق القرآن*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*. لبنان: دار الکتب العربی.
- زید بن علی (۱۴۱۲ق). *تفسیر غریب القرآن*. بیروت: الدار العالمیة.
- سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر (۱۴۲۹ق). *تحفة الأديب فی نحاء مغنی اللیب*. اردن: عالم الکتب الحدیث.
- سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر (۱۴۲۸ق). *الأشباه و النظائر فی النحو*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- شریف المرتضی، علی بن حسین (۱۴۳۵ق). *أمالی المرتضی*. قم: ذوی القربی.
- شقیطی، محمدا مین (۱۴۲۷ق). *أضواء البیان فی إیضاح القرآن بالقرآن*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- شیخ علوان، نعمه الله بن محمود (۱۹۹۹م). *الفواتح الإلهیة و المفاتح الغیبیة: الموضحة للكلم القرآنیة و الحكم الفرقانیة*. قاهره: دار ركبای للنشر.
- صاحب، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ق). *المحیط فی اللغة*. محقق: شیخ محمد آل یاسین. بیروت: عالم الکتب.
- صغیر، محمد حسین (۱۴۲۰ق). *مجاز القرآن خصائصه الفنیة و بلاغته العربیة*. بیروت: دارالمورخ العربی.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۴ق). *بدایة الحکمة*. قم: جامعه مدرسین.

- _____ (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). العین. قم: هجرت.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲ق). تفسیر جوامع الجامع. قم: حوزه علمیه قم.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۵ق). تفسیر الصافی. تهران: مکتبه الصدر.
- _____ (۱۳۷۲ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو.
- قشیری، عبدالکریم بن هوازن (۲۰۰۰م). لطائف الاشارات. قاهره: هیئة المصریة العامة للكتاب.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳ش). تفسیر. قم: دار الكتاب.
- کرباسی، محمد ابراهیم (بی تا). اشارات الاصول. قم: بی نا.
- مرتضی زبیدی، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دار الفکر.
- _____ (۱۳۶۲ش). کلم الطیب در تقریر عقاید اسلام. تهران: کتابفروشی اسلام.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۶ش). مجموعه آثار. تهران: صدرا.
- عبدالجبار، عماد الدین (۱۴۲۶ق). تنزیه القرآن عن المطاعن. بیروت: دارالنهضة الحديثة.
- مظفر، محمد رضا (۱۳۷۵ش). أصول الفقه. قم: اسماعیلیان.
- عکبری، عبدالله بن حسین (۱۴۲۴ق). اعراب القراءات الشواذ. قاهره: المکتبه الأزهریة للتراث.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۸ق). انوار الأصول. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق). التفسیر. تهران: مکتبه العلمیة الاسلامیة.
- ناظر الجیش، محمد بن یوسف (۱۴۲۸ق). شرح التسهیل المسمی تمهید القواعد بشرح تسهیل الفوائد. محقق: علی محمد فاخر. قاهره: دار السلام.
- فاضل موحدی لنکرانی (۱۴۳۰ق). محمد، دراسات فی الأصول. قم: مرکز فقه الائمة الاطهار.
- نبا، خضر محمد (۲۰۰۹م). موسوعه تفاسیر المعتزله. بیروت: منشورات محمد علی بیضون.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نحاس، ابو جعفر (۱۴۲۳ق). القطع والائتناف أو الوقف والابتداء. تحقیق: احمد فرید المزیدی، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- فراء، یحیی بن زیاد (۱۹۸۰م). معانی القرآن. قاهره: هیئة المصریة العامة للكتاب.
- نظام الأعرج، حسن بن محمد (۱۴۱۶ق). تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان. بیروت: منشورات محمد علی بیضون.